



باد سرد آرام بر صحرا گذشت -- سبزه زاران , رفته رفته , زرد گشت
باد سردی آرام آرام در صحرا وزید و کم کم سبزه ها و چمن زارها زرد شد
تک درخت نارون, شد رنگ رنگ -- زرد شد آن چتر شاداب و قشنگ
برگ های تک درخت نارون , رنگارنگ شد و آن برگ های چتر مانند شاداب و زیبایش زرد شد
برگ برگ گل به رقص باد ریخت -- رشته های بیدبُن از هم گسیخت
با وزش باد برگ های گل یکی یکی بر زمین ریخت و شته های درخت بید از هم جدا شد
چشمه کم کم خشک شد , بی آب شد -- باغ و بُستان, ناگهان در خواب شد
کم کم چشمه خشک و بی آب شد و ناگهان تمام باغ ه او بوستان ها به خواب زمستانی رفتند
کرد دهقان, دانه ها در زیر خاک -- کرد کوته, شاخه ی پیچانِ تاک
کشاورز دانه هارا در زیر خاک کاشت و شاخه های بلند پیچ در پیچ درخت انگور را کوتاه کرد
فصل پاییز و زمستان می رود -- بار دیگر, چون بهاران می شود
فصل پاییز و زمستان سپری می شود و یک بار دیگر فصل بهار فرا می رسد
از زمین خشک , می روید گیاه -- چشمه جوش , آب می اُفتد به راه
از زمین خشک گیاه می روید و چشمه ها می جوشند و آب آن ها روان می شود
برگِ نو آرد, درخت نارون -- سبز گردد, شاخساران کهن
درخت نارون دوباره برگهایش تازه می شوند و شاخه های بزرگ قدیمی سبز می شوند
گل بخندد, بر سرِ گل بوته ها -- پُرکند بوی خوش گل , باغ را
برسر بوته های گل , غنچه ای شکوفامی شود و بوی خوش این گل باغ را پرمی کند

باز می آید پرستو , تغمه خوان -- باز می سازد در اینجا آشیان

دوباره پرستو آوازخوان و شاد می آید و در این باغ لانه می سازد

پرورین دولت آبادی => شعر رسمی باد خنده ی گل

سعید ساجدی رئیسے - سایت معلم یار